

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

"واگذاری"، "سقوط" و اشغال کشور بدون حضور نظامیان خارجی اولویت بازی بُرد - بُرد در مجموعه قضایای کنونی میهن ما وقتی که زنگ‌های خطر آشکاری نادیده گرفته می‌شود

**چگونگی تحولاتی در متن و تغییراتی در حاشیه
آیا از "صلح انحرافی" می‌توان سخن گفت؟
آنها از طریق بحران ارتزاق می‌نمایند
نه جنگ افغانی و نه صلح افغانی**

گرچه ستراتیژی نظامی تمامی کشورها در روند دگرگونی دایمی قرار دارد، ولی چنین روندی در ارتباط با قدرت‌های بزرگ از عینیت بیشتری برخوردار بوده و بویژه ستراتیژی نظامی امریکا در امتداد جنگ سرد و پس از آن تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نشان می‌دهد که اساس و پایه ستراتیژی نظامی این کشور بر مبنای بازدارندگی استوار بوده است. اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که رویکرد ستراتیژی نظامی ایالات متحده پس از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ دستخوش تحول شده است. با رویکار آمدن نومحافظه‌کاران درین کشور و وقوع حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر، ایالات متحده با تهدیدهای جدی (تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی، دولت‌های افراطی) مواجه گردیده و دولت‌مردان این کشور تمامی ستراتیژی‌های پیشین را مورد نقد قرار داده و بفرکتدوین ستراتیژی جدید جهت مقابله با تهدیدهای پیشروی خود افتادند. تحولات تاریخی امریکا نشان می‌دهد که نظامی‌گری در ذات تفکرات راهبردی و اندیشه‌های امنیتی این کشور قرار دارد. رهبران سیاسی و اشنگتن، قدرت نظامی، مداخله و تحول در ستراتیژی نظامی را بمثابة ابزارهای سودمند حکومتداری بمنظور مقابله با تهدیدات می‌پندارند.

اغلب شنیده می‌شود که نمی‌توان به فتح کامل افغانستان نایل گردید. ابرقدرت‌های بریتانیای کبیر، اتحاد شوروی و اکنون هم ایالات متحده قادر بانجام این کار نشدند. ادعای فوق باین واقعیت که اتحاد شوروی، در واقع افغانستان را فتح نموده و کشورما را نظارت و اداره می‌نمود، کاملن بحث برانگیزی باشد. از مسایل در خور بحث بویژه در وضعیت کنونی، از جمله، هم اشغال میهن ما و هم فراخواندن "شرم‌آور" نظامیان امریکایی از اراضی متعلق به کشور عزیزما افغانستان سرزبان‌ها می‌باشد. در امر فرود آمدن و تهاجم دوده‌پسین نظامیان خارجی برهبری ایالات متحده به کشورما کی‌ها مقصر پنداشته می‌شوند؟ آیا کسی و یا کسانی واقعن شک دارند که ارتش ایالات متحده با آنهمه ساز و برگش با "طالب"‌های موثر سایکل سوار نتوانست مقابله نماید؟ این را هم بخاطر می‌آوریم که هنگام انجام عملیات مسلحانه قطعات محدود اتحاد شوروی در کشورما، این ایالات متحده بود که با نیمی از جهان همراه و هم صدأ گردیده و با تمامی نیرو به تقویه، تجهیز و تمویل مجاهدین در کشورما مبادرت ورزیدند، اما در مقابل، با تهاجم ایالات متحده، آیا از "طالب"‌ها در عمل هیچگونه حمایتی بعمل نیامد؟ اما بخاطر باید داشت که عده‌ای هم فراخواندن نظامیان امریکایی از سرزمین و اراضی متعلق بکشورما را نتیجه ناسازگاری و بی‌کفایتی سیاستمداران امریکایی و چگونگی اقدامات و عملکردهای غیر موثر و اشنگتن می‌پندارند. از اینرو، دستور خروج نظامیان امریکایی از کشورما بگونه فوری و ناگهانی و اجرای عملی آن در امتداد معیاد تعیین شده، بهمه آنها ابلاغ گردیده و نظامیان یادشده با فراموش نمودن

و جاگذاشتن بخشی از منابع مادی و سلاح و تجهیزات، با عجله پایگاهها و محلات استقرارشان را ترک نمودند. با این وجود، ناتوانی سیاستمداران مدرن در حفظ مسیر انتخاباتی و وابستگی آنها با افکار عمومی را بمثابة یک واقعیت عینی باید تلقی نمود. بنابراین، درگیری های مسلحانه درازمدت، هرگز به نتایج مورد نظر منتج نخواهد گردید. بدین ترتیب، در اینجا سخن نه در مورد تسخیر کشور ما مطرح بوده، بلکه معضل عمده و قابل توجه، حفظ، نگهداری و نظارت آن پنداشته می شود.

از یک جانب، قدرت های پیشرفته از نظر فناوری به مدرن ترین سلاح ها مجهز بوده و از جانب دیگر، در برخی از کشورها عده ای هم موجود می باشند که در نظر دارند تا تنها با بکارگیری بخشی از سلاح های موجود با اهداف مورد نظرشان نایل گردند. با این حال، شهروندان جهان "نخست" در کنار اینکه نمی خواهند از زندگی ساقط گردند، اما همچنان می خواهند از تلفات شهروندان کشورشان نیز اطلاع حاصل نمایند. در چنین وضعیتی است که شرکت های خصوصی جنگی وارد عرصه مربوطه می گردند.

صرف نظر از اینکه افغان ها به چه نحوه ای مسلح می باشند، حملات مداوم، از جمله استفاده و بکارگیری از بمب گذاری ها و حملات انتحاری علیه نظامیان خارجی اجرا می گردید که لزوم منجر به تلفات و جراحت برداشتن نظامیان یاد شده گردیده و خسارت هایی نیز بیبارمی آورد. بنابراین، بمنظور فراخواندن نظامیان خارجی و در گام نخست عودت نظامیان امریکایی از اراضی افغانستان بکشورشان، اقدام عملی اتخاذ گردید. درین بخش پرسشی مطرح می گردد که آیا می توان از تصرف و نظارت کامل بر افغانستان (یا هر کشور دیگری)، بدون حضور مستقیم وجودی نظامیان خارجی در اراضی مربوط بان اطمینان حاصل نمود؟

در این مورد بایست یاد آور شد که در شرایط کنونی، از بکارگیری گسترده وسایل پرنده بدون سرنشین کار زمین رهبری و هدایت می شوند، استفاده بعمل آمده و از وسایل استخباراتی سفینه بی نیز بمنظور اهداف اطلاعاتی کار گرفته میشود. چنین وضعیتی اعزام نظامیان را بگونه بالقوه تأمین مینماید تا بدون موجودیت حضوری در سرزمین کشورهای دیگر بانجام عملیات و کنش های مسلحانه مبادرت ورزند.

زمانی که در کشوری گروه بندی های مسلحانه مخالف وجود داشته و بگونه فعالی در سازگاری و تعامل با جها ن خارج می باشند، در چنین وضعیتی، شاهد تحمیل ایدئولوژی های خارجی بر شهروندان آن کشور بوده که در موقعیت اینچنینی، هیچ مورد قابل قبولی را از آن کشور نباید انتظار داشت. در تاریخ شاهد حادثات اتفاقیه بیشماری بوده ایم که از جمله در بسا موارد و بویژه در درگیری های مسلحانه و جنگ های ناعادلانه و غیر انسانی، بویژه زمانی که هیچیک از قدرت های بزرگ دیگر از آن جلوگیری بعمل نمی آورند، کشور یا دول مهاجم بگونه مشروط و اما بصورت رسمی در آن شرکت ورزیده و به تداوم آن مبادرت می ورزند. چنین وضعیتی در مورد ورود نظامیان خارجی بکشور عزیز ما افغانستان، بخوبی صدق می نماید.

قابل یاددهانی پنداشته میشود که بسیاری از کشورها در صدد آنند تا تحت پوشش دوستی، طرز دید و نوع نگاه شان را بر طرف مقابل تحمیل نمایند. بمنظور دستیابی به چنین مأمولی، آنها بر بنیاد محاسبات ایدئولوژیکی بایجاد و تأسیس بنیادهایی بمنظور باصطلاح انکشاف کشورهای عقب مانده مبادرت می ورزند. قدرت های یاد شده چنین می پندارند که بمنظور تصرف و اشغال کامل و بی چون و چرای افغانستان، بایست بگونه مداوم بانجام موارد ذیل پرداخت:

- حصول اطمینان از نظارت و تفکیک مرزها؛
- تضمین عدم تجزیه سرزمین کشور، نظارت و در صورت لزوم جلوگیری از تحرکاتی در محلات و مناطق از لحاظ جغرافیایی مجزا از هم؛

و انجام نظارت کامل بر فعالیت های شهروندان و مدیریت جامعه.

در محدوده مسایل گفته آمده، باید بانجام عملی وظایف فرعی ذیل مبادرت ورزید:

- تشخیص دسته بندی های بزرگ مسلح؛

- فراهم نمودن تجهیزات؛

- ردیابی تحرکات جمعیت؛

- شناسایی افراد مسلح؛

- غیرنظامی شدن قلمرو مربوطه؛

- جلوگیری از قاچاق مواد مخدر؛

- محدود نمودن ارتباطات؛

- جلوگیری از راه‌های مواصلاتی و حمل و نقل و زیرساخت‌ها.

در مورد ارتباطات، فرماندهی و نظارت از اطلاعات دست اول بایست متذکر گردید که نخستین شرط دستیابی به امکان تداوم جنگ آنهم بدون شرکت بالفعل و مستقیم انسان بمفهوم خاص کلمه، در برگیرنده گروه‌ها و بخش‌های استخبارات سفینه‌ی می باشد. در شرایط و وضعیت کنونی، در فضای بیرونی و کیهان که در حال تبدیل شدن بیک میدان مهم جنگ و مکانی می باشد، در آنجا تصمیم اتخاذ خواهد گردید که کدام کشور به قدرت معظم و بزرگ تبدیل گردد. چه، می توان گام بعدی ایالات متحده در عرصه یادشده را، نظامی ساختن فضا بحساب آورد.

قابل تذکر پنداشته می شود که مهمترین وظیفه شبکه های ماهواره بی پیوسته بهم بمنظور گشت زنی چندین ماهه در فضای سرزمین و قلمرو متعلق بکشور ما و انجام اطلاعات رادیویی و فنی بمنظور جستجو و ردیابی وسایل ارتباطی دشمن می باشد.

کارشناسان پرسشی را باین شرح مطرح مینمایند که آیا ره‌ا نمودن سلاح و مهمات جنگی امریکایی بارزش میلیاردها دالر در افغانستان اشتباه پنداشته شده و یا در نوع خود طرح حيله گرانه اداره و اشنگتن محسوب می گردد؟ همه می پرسند که ظرفیت ها و امکانات وسیع و گسترده تسلیحاتی را بمنظور کدام هدفی از خود بجا گذاشتند. جوابیدن رئیس جمهور ایالات متحده در امتداد ماه می سالروان، فراخواندن همه نظامیان کشورش از سرزمین افغانستان را در بیستمین سال پس از حملات ۱۱ سپتامبر اعلام نمود. بر بنیاد اظهارات نامبرده، بدون عجله و بدون در نظر داشت شرایط و وضعیت در افغانستان، از تاریخ اول ماه می، فراخواندن نظامیان امریکایی آغاز می گردد. (اکنون پروسه یادشده باتمام رسیده است).

بایدن همچنان اظهار نمود که رسالت اصلی تهاجم ایالات متحده بافغانستان مبنی بر این واقعیت استوار بود که هر گز اجازه ندهد تا افغانستان مجددن بمثابه پایگاه حملاتی به ایالات متحده مورد استفاده قرار گیرد. همچنین مسؤل دیپلوماسی اتحادیه اروپا اظهار نمود که فراز آمدن "طالب" ها بقدرت سیاسی افغانستان بمفهوم شکست غرب پنداشته شده که از حالت تکوین پذیرفته حاضر باید نتیجه گیری های مناسبی صورت گیرد.

در گام نخست، چنین وضعیت پیش آمده برای شهروندان کشور بمثابه تراژیدی پنداشته می شود. چنانچه قبلن تذکر بعمل آمد، از وضعیت اینچنینی باید درس هایی آموخت. اما نامبرده همچنان اظهار نمود که اصل برسمیت شناختن رژیم "طالب" ها بویژه با تداوم وضعیت موجود، کاملن منتفی می باشد. اما شماری از کشورها بدون در نظر داشت موارد گفته آمده، مذاکرات و گفتگوهایی را با "طالب" ها بمنظور تخلیه شهروندان کشورهای شان از افغانستان آغاز نموده اند.

پس از تغییر رژیم در کابل، اتحادیه اروپا تمامی برنامه های کمک کشورهای عضو بدولت افغانستان را بحالت تعلیق در آورد، اما کمک های بشردوستانه چهار برابر افزایش حاصل نمود.

چنین پیشبینی میگردد که در حدود ۴ میلیون تن از شهروندان کشور بخارج عزیمت نمایند که با چنین وضعیتی می توان شرایط کنونی کشور را با وضعیت و چگونگی بحران مهاجرت در کشور سوریه مقایسه نمود. اتحادیه اروپا در صدد آن می باشد تا با کشورهایایی که در موقعیت های نزدیک جغرافیایی با افغانستان قرار دارند، در مورد جابجایی و اسکان مؤقت کتله های بزرگی از مهاجران کشور به توافقاتی نایل گردد.

بخاطر داریم که ایالات متحده بتاريخ ۳۱ ماه اگست سالروان، به عملیات مسلحانه در افغانستان و تخلیه و انتقال نظامیان امریکایی وعده ای از شهروندان کشور ما نقطه پایان گذاشت. اما با وجود آنهم، احتمال تمدید فرصت یادشده الی تاریخ ۱۱ ماه سنبله (اول ماه سپتامبر) را نیز مطرح نمودند اما از جانب "طالب" ها، چنین امکانی غیر قابل عملی پنداشته شد.

بامرور و بررسی موشگافانه مطالبی که در مورد پیشرفت و چگونگی سیر حوادث در کشور ما در رسانه های معتبر جهان بنشر می رسد، مطمئن خواهیم گردید که هیچکدام از افغان ها و امریکایی ها در ضدیت ومخالفت با "طالب" ها بهیچ اقدامی متوسل نگردیدند، اما عده ای از کارشناسان ودست اندرکاران عاقلی که بخوبی از قضایای کشور ما تصور مشخصی ارائه نموده، چنین می پندارند که "طالب" ها بگونه ای گیر افتاده اند، حملا ت آنها در نطفه خاموش خواهد شد و یا عملکردهای اینچنینی آنها بگونه دیوانه کننده ای بدرازا انجامیده و شاهد حوادث و واقعاتی از نوع واقعات تکوین پذیرفته در میدان هوایی کابل خواهیم بود.

مقاومت نمایند و یا با تغییر شرایط و وضعیت عکس مطلب اتفاق افتد. از جانب رهبری کنونی مقاومت در پنجشیر اظهار گردید که در وضعیت حاضر، کمک و معاونتی از جانب هیچکدام از کشورهای خارجی دریافت نمی نمایند. در این مورد پرسشی بمیان می آید که کدام کشور بکمک آنها خواهد شتافت. بگونه نمونه هند نمی تواند وارد معادله کمک بآنها شود. پاکستان در امتداد چندین دهه است که از "طالب" ها پشتیبانی بعمل می آورد. کشوریاد شده بایجاد وتشکل "طالب" ها مبادرت ورزیده و بر این بنیاد به تداوم کمک و پشتیبانی از آنها همچنان ادامه خواهد داد. ممکن هند بخواهد به جبهه یاد شده یاری و کمک هایش را مبذول نماید، اما به چه نحوه ای قادر بحضور در آنجا خواهد شد. از طریق پاکستان؟! قبل از این، "اتحاد شمال" در پنجشیر از حمایت ها و معاونت های روسیه، ایران و ازبکستان برخوردار می گردید. اما در وضعیت کنونی، کشورهای یاد شده خواهان درگیری با "طالب" ها نمی باشند.

یکشنبه ۱۴ ماه سنبله سال ۱۴۰۰ خورشیدی